

بخش دوم :

# قشقایها و نقشان در استقرار دموکراسی و مشروطیت

کازرون و نمایندگان منتخب

(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف : غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

email:dehghan@kazeroon.net

درباره نقش فارس در جنبش مشروطیت، تاکنون مطالعه‌ای کامل و مستقل صورت نگرفته و فقط اطلاعات پراکنده‌ای از چگونگی آغاز نهضت فارس، به وسیله مورخین به دست آمده است! هم چنانکه نهضت آزادی خواهی عصر مشروطه در آذربایجان با نام‌های ستارخان و باقرخان پیوند خورده، بی‌گمان این نهضت و تحولات پس از آن، نه تنها در فارس بلکه در کل صفحات جنوبی ایران بی‌نام عالم روحانی مجاهد، سید عبدالحسین لاری بی‌معناست.<sup>۱</sup>

### زندگانی آیت الله لاری مبارز جنوب ایران

حاج سید عبدالحسین لاری، در شب جمعه ماه صفر ۱۲۶۴ ه. ق در نجف به دنیا آمد. شجره طیبیه‌ی نسب او را با نوزده نسل، به امام موسی کاظم می‌رسد. سلسله نسب آیت الله لاری، این چنین ذکر شده است: سید عبدالحسین عبدالرحیم بن آقاگپ بن محمد بن اسدالله ابن نعمت الله بن اسدالله بن بابا حسینی بن علی الملعت به شاه رکن الدین بن بهاء الدین بن ابی العلاء بن ابوالقاسم بن حمزه الاصغر بن حمزه الاکبر بن امام موسی بن جعفر.

اطلاع ما از دوران کودکی سید، بسیار اندک و در حد اشارات گذرا است. وی با ورود به حوزه علمیه نجف، در محضر پنج تن از استادان خود مدارج علمی را طی نمود و به درجه اجتهاد رسید و پیش از مهاجرت به ایران، در حوزه علمیه نجف تدریس می‌کرد. در حالی که سید مشغول تدریس در حوزه علمیه نجف بود و استعداد و توانایی او، به تدریج وی را در محافل علمی و سیاسی مطرح می‌نمود، حوادثی در جنوب فارس به وقوع پیوست که با حیات سیاسی سید گره خورد و او را به ترک زادگاه و مهاجرت به ایران وادارد نمود. سید به همراه عده‌ای از بصره عازم بندر لنگه

شد و در آنجا با استقبال گرم اهالی لارستان روبرو شد و وارد شهر لار گردید.

ورود سید به لارستان، به تدریج موجب تغییرات اساسی در ساختار قدرت اجتماعی و سیاسی منطقه گردید. او توانست با اقدامات خود لار را به عنوان پایگاه اصلی مبارزات سیاسی و ضد استعمار و استبداد درآورد و با حمایت‌های بی‌دریغ تجار لارستانی که در آن دوره، در شهرهای مهم بندر لنگه، بندرعباس، بندردبی،

دفاتر تجاری و بازرگانی داشتند نهضت بزرگی را پی‌ریزی نماید.<sup>۲</sup>

در میان قیام مردم شیراز و فارس علیه عامل استبداد باید به تعدیات و ستمگری‌هایی که شعاع السلطنه و کارگزاران وی نسبت به اهالی روم می‌داشتند اشاره نمود. به سال ۱۳۲۲هـ ق ملک منصور میرزا شعاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه به حکمرانی منصوب گردید. وی از بدو ورود به شیراز چشم طمع به اموال و هستی مردم دوخت و دست کارگزاران خود را برای هر گونه ستم و تعدی در قلمرو فارس باز گذاشت و بدین ترتیب روزبروز بر وسعت املاک و متصرفات خود افزود. بدین گونه، متصرفات شعاع السلطنه بخش بزرگی را در بر گرفت و افزون بر مستغلات شهر شیراز در بازار وکیل، شامل دهات و قراء و قنوات و معادن بسیار در نواحی نیریز، مشکان، قرابلاغ، داراب، سبعه، فسا، کازرون، برازجان، دشتی، دشتستان و بهبهان می‌باشد.

بنابراین، شورش و غوغای فارس را به حق باید عکس‌العمل ستمگری‌ها و تعدیات دوران حکمرانی شعاع السلطنه و عمال او دانست و آن، بدون هیچ تردید جنبشی علیه استبداد و ظلم بوده که تصادفاً با انقلاب مردم تهران همزمان شده و یا احتمالاً به نحوی از جنبش اهالی تهران الهام گرفته است.

## اوضاع فارس

احجافات و تعدیات شعاع السلطنه و کارگزاران ری سبب گردید که علماء و روحانیون و مردم از شعاع السلطنه و عمال او به دولت شکایت‌ها فرستادند، ولی چون پاسخ مساعدی دریافت نکردند، علیه حکومت و تعدیات دولتیان بر پا خاستند!

تجّار و کسبه بازار، دکان‌های خود را بستند، و در صحن شاه چراغ متحصن شدند. شیراز به هم برآمد. مردم سلاح به دست گرفتند و ارک حکومتی که مقر شعاع السلطنه حاکم وقت بود را و همچنین خانه‌های نایب الحکومه و چند تن از کارگزاران حکومتی را محاصره کردند. چند تیر هوایی تیر اندازی شد و این موضوع تا چند شب حادث گردید تا اینکه شعاع السلطنه، بدون این که از حکمرانی خود در فارس استعفا دهد، شیراز را به سوی تهران ترک نمود.<sup>۳</sup>

چون شاهزاده حاکم به عزم معالجه مریض، مسافرت به فرنگستان نمود، نایب الحکومه (سردار اکرم) بنای فحاشی و بد سلوکی را گذارد آنچنان که مردم از شدت فشار ظلم به شاه چراغ که محل بست و پناه مظلومین بود متحصن گردیدند. سردار اکرم به بهانه نظم شهر، حکم شلیک داد و متجاوز از بیست نفر از اطفال و مردم بیچاره به هدف گلوله ظلم به خاک افتادند.<sup>۴</sup>

پس از کشتار مردم، علمای شیراز تلگرافی بسیار سخت و محکم به محمد علی میرزا مخابره کردند و تلگرافی هم با همان مضمون توسط آقای طباطبایی به شاه مخابره نمودند و متن تلگراف در تهران منتشر گردید. این امر باعث تقویت آزادی خواهان گردید و معلوم شد که علاوه بر تهران در تهران در شهرستان‌ها هم علماء به قیام برخاستند. شاه در جواب آزادی خواهان گفت: علاء الدوله را می‌فرستم به عرایض شما برسند.<sup>۵</sup>

دولت در نظر داشت که علاءالدوله را به حکومت فارس بفرستد، اما وقوع جریاناتی، این امر را به تعویق انداخت و غلام حسین خان، وزیر مخصوص، به فارس آمد تا از تشنج آن منطقه بکاهد. وزیر مخصوص تا سال ۱۳۲۴ه. ق در فارس بر جای ماند و با تلاش خود توانست در آرام کردن مردم موفق گردد.<sup>۶</sup> در همین حال، اعتراضات و شورش‌های مردم بالا گرفت شهرهای مختلف کازرون، لار، فسا و بوشهر را در بر گرفت.

در فاصله‌ی بین ماه‌های ربیع الثانی تا جمادی الثانی، در ظرف دو ماه که انقلاب و شورش در تهران و شهرستان‌ها به صدور فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه منجر گردید، آگاهی چندانی از اوضاع شیراز در دست نیست. با بازگشت علما از مهاجرت کبری و صدور دست خط مشروطیت، اولین نشانه‌های خرسندی و رضایت توسط علمای شیراز، با ارسال تلگرافی به آیتالله طباطبایی اعلام گردید.

با توجه به آنچه رفت می‌توان گفت که قیام شیراز، جنبشی ضد سلطه شعاع السلطنه و علیه مظالم او بوده است که در نهایت در راستای نهضت همگانی مشروطیت گام برداشته است.

### از پیروزی مشروطه تا استیلاي استبداد صغیر

فارس در این ایام در دست طرفداران قوام الملک شیرازی بود. حضور قوام الملک شیرازی به شیراز، شرایط جدیدی را برای خانواده‌اش پدید آورد. وی از جمله افرادی بود که با افکار انقلابی مشروطه خواهان همراهی کامل نداشت. وی اگر چه در نهضت ضد شعاع السلطنه حضور داشت، اما بنا به ماهیت سلطه گرانه‌ی خود، نتوانست با مشروطه خواهان همراهی کند و سرانجام رو در روی آنها قرار گرفت و آنچنان بر ملیون

سخت گرفت که مردم همچون موجی در برابر وی قد علم کردند. فشار روانی و سیاسی انقلابیون موجب گردید که مجلس با اکثریت آراء قوام الملک را عزل نماید هر چند وی حاضر به خروج از مقام خود نبود و در نهایت نظام السلطنه ما فی در ۲۴ ربیع الثانی به عنوان حاکم فارس برگزیده گردید.<sup>۷</sup>

یکی از اقدامات نظام السلطنه دعوت از سیدعبدالحسین لاری بود به منظور تقویت جبهه‌ی مشروطه خواهان. سید عبدالحسین لاری در سال ۱۳۲۵ه. ق به دعوت نظام السلطنه از موطن خویش لار، با هفتاد هزار از مریدان به حمایت از مجلس ملی و ضدیت با قوام و قوام پسران او و به قصد ممانعت از ورود آنان به شیراز، وارد این شهر می‌شود.<sup>۸</sup>

جمع کثیری به استقبال سیدعبدالحسین لاری آمدند و سید و یارانش، بلافاصله پس از ورود به شیراز، در منزل یکی از تجار لاری ساکن شدند و نخستین نماز جماعت با حضور جمع کثیری از همراهان، برگزار گردید. حضور او در شیراز، توازن قوا را به نفع مشروطه خواهان به هم زد و انقلابیون را برای رو یارویی مستقیم با قوام الملک شیرازی و نیروهای مستبد، آماده‌تر ساخت. با استقرار نیروهای سید در شیراز، صف آراییی مشروطه خواهان و مستبدین آغاز شد و هر دو طرف حداکثر توان خود را برای یک رویارویی جدی و خصمانه به کار گرفتند. رویارویی دو نیرو و توضیح این نبرد از بحث کتاب خارج است لذا مطلب را خلاصه نموده و بیان می‌داریم که رویارویی و منازعه میان مشروطه طلبان با قرامیان و حامیان استبداد منجر بر کشته شدن قوام در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۲۸۶ (۴ صفر ۱۳۲۶ه. ق) گردید وی به دست فردی به نام نعمت الله به قتل رسید که به گفته پسران قوام، از سوی معتمد دیوان و سیدعبدالحسین تحریک شده بود!<sup>۹</sup>

مظفرالدین شاه ۱۰ روز پس از امضای فرمان مشروطه به علت کسالت و بیماری از دنیا رفت و محمدعلی میرزا که تربیت روس بود بر مسند قدرت جلوس نمود.

محمدعلی شاه در ابتدا خود را از حامیان مشروطه اعلام نمود اما چندی نگذشت که مخالفت خود را با مشروطه و مشروطه خواهان اظهار نمود. اولین اقدام وی در این جهت به توپ بستن مجلس بود که در تاریخ به یوم التوب شهرت یافت و دوره‌ای جدید در تحولات سیاسی با نام استبداد صغیر آغاز گردید و سیل تلگراف‌ها و نامه‌ها برای حمایت همه جانبه و گسترده از انقلابیون به تمامی ایران سرازیر گردید.

در این راستا عبدالحسین لاری بلافاصله با اعلام کتبی و ارسال نامه‌های مختلف رفتارهای غیر اسلامی محمدعلی شاه را محکوم و حکومت او را خلاف شرع و دادن مالیات را منع نمود.

اولین اقدام سید ارسال تلگراف و نامه‌های مکرر به طرفداری از مشروطه خواهان و محکوم نمودن عمل محمدعلی شاه و اعزام اولین دسته‌های چریکهای لارستانی به سه ناحیه داراب، بندرعباس و بوشهر بوده است.<sup>۱۰</sup>

با به قدرت رسیدن محمدعلی شاه ظل السلطان از فارس عزل و به جای او آصف الدوله منصوب گردید. پس از حرکت ظل السلطان، فارس فوراً به حالت انقلاب دعوت

نموده و حرکت ایلات نیز آغاز گردید.<sup>۱۱</sup>

خروج ظل السلطان از فارس، به نفع مستبدین و جناح قوامی‌ها بوده و اولین اقدامات انتقام جویانه آنها علیه سید آغاز گردیده و در شوال سال ۱۳۲۶ هـ. ق حبیب الله قوام الملک معروف به سالار سلطان به طرف لار عزیمت نمود.<sup>۱۲</sup>

سید بلافاصله برای این اقدام به او اخطار کرده در همان حال مستریبل کنسول شیراز از خطرات احتمالی مداخله نیروهای سید به مقامات انگلیسی هشدار داده است...، سید بخش بزرگی از نیروهای خویش را به رهبری شیخ زکریا نوایگانی جهت جلوگیری از پیشروی نیروهای قوام به طرف داراب گسیل داشت.<sup>۱۳</sup> شیخ زکریا با این مأموریت به جمع آوری نیرو پرداخته، تفنگچی‌های حاجی آبادی به رهبری حسین سالار و تعدادی از سران طوائف عرب و بهارلو و چریکهای کوهستانی به جمع او پیوسته و در اولین اقدام با حمله به فرگ (Forg) واقع در جاده لار - داراب کربلایی آقا بیگ کواری را طی یک درگیری به قتل رسانیده و به طرف داراب حرکت نمود.<sup>۱۴</sup> نیروهای حاجی آبادی به رهبری حسین سالار احتمالاً از آن جا به عزم یاری انقلابیون به طرف بندرعباس حرکت کرده- اند.<sup>۱۵</sup> شیخ زکریا طی نامه‌ای به میرزا علی اکبر خان شیدا خواهان تسلیم او گردید. متن نامه چنین است:<sup>۱۶</sup>

« بدان و آگاه باش که این چرخ مینارنگ بوقلمون هر ساعت به رنگی جلوه نماید، صد سال است که داراب و توابع آن به تصرف سلسله قوامیان بوده و هزاران ظلم و تعدی به سرما کوهستانی‌ها روا داشته‌اند. امروز که ایران مشروطه شده، مردم کوهستان از خواب غفلت بیدار شده‌اند، باید سر در زیر ظلم و ستیز ندهیم.

به موجب این امریه باید داراب را تخلیه نموده، جان خود و اتباع خود را از ضرب گلوله‌های کوهستانی نجات دهی والا همان کاری که با آقا بیگ فیلی حکومت فرک نمودم، با شما خواهم کرد.

حبیب الله خان قوام با جمع دو هزار نفری تفنگچیان عرب و باصری و شیبانی و کواری، در جاهای مختلف داراب سنگربندی نموده و آماده مقابله گردید، درگیری بین طرفین به مدت دو ماه به طول انجامید و نهایتاً

به شکست نیروهای قوامی منجر گردید.<sup>۱۷</sup> سید طی نامه‌ای به یکی از علمای بوشهر، پیروزی بر نیروهای استبداد را اطلاع داده و مخالفت علنی خود را با دولت وقت اعلام داشت.<sup>۱۸</sup>

در همین حال سید با اعزام بخش دیگری از نیروهای خود به طرف بندرعباس جبهه جدیدی را علیه مستبدین گشود؛ لشکرکشی نیروها به فرماندهی مصباح دیوان اوزی و حسین سالار انجام گرفت.<sup>۱۹</sup> خبر پیروزی ملیون در ماه صفر ۱۳۲۷ قمری، را مقامات انگلیسی به این مضمون مخابره نمودند.<sup>۲۰</sup>

به واسطه فشار مجتهدین نجف و سادات لارستان، ملیون بندرعباس زمام اختیار حکومت را در کف گرفته و گمرک خانه را تصرف کردند. جنرال قنول تقاضای یک فروند کشتی جنگی نموده است.

سید طی تلگرافی که در روزنامه عروۃ‌الوثقی، نمره دو، مورخه ۲۶ صفر درج شده است ماجرای فتوحات نیروهای خود را در جبهه داراب و بندرعباس به این مضمون به انجمن اسلامی شیراز اطلاع داده است.

حضور حضار محترم اهل ملت و ... معروض می‌دارد که سه، چهار هفته می‌گذرد که آنچه از مژده و بشارت و تبریکات فتوحات اسلام و شکست جنود شیاطین و تسخیر قلاع سبعة جات و بنوکات جویم، و انتقام از قاتل شهداء و سعداء مرحومین شیخ حجة‌الاسلام، وسید معین الاسلام، آقا بیگ سگ آنچه به آن جا خبر دادیم، به هیچ وجه معلوم نیست که از غدر و مکر ارباب پست رسیده باشد، اکنون به رسم اجماع اطلاع داده که خاطرهای مبارکه از بعضی وقایع مسبوق و مستحضر شود، پس از حرکت عسگر ظفر اثر ملت، به جانب سبعة و تسخیر آن جا و قتل ابن زیاد ثانی و نظم و ترتیب امورات آن جا، به حمدالله و المنة به جانب دارابجرد روانه شدند. از آن طرف هم با حضرات کوهستان حمله به داراب می‌کنند، و به

یک حمله چند نفر از جنود شیطان به اسفل درک نیران می‌رسند، شب دست می‌دهد. خود یهودزادگان با جماعتی از اعوان از قلعه داراب فرار اختیار کرده‌اند اگر چه افواهاً مذکور و مشهود است که یکی از حرام زادگان گرفتار جماعت اعراب شده و او را به اسلاف کفار خود در نار واصل کرده‌اند ان شاء الله امید است که بی اصل نباشد، و الحمدلله جنود مسعود ملت در داراب با کمال اطمینان و فراغ بال، در نهایت اعتدال می‌باشند. یک محله از یهود از مشاهده عدالت مداری بالطوع و الاختیاری اسلام را قبول می‌کنند، و اجازه خواسته‌اند، داعی اذن نداده و مترقب اجازه و رخصت جنابان. منوط به نظر و تصویب اهالی آن جا خاصه جنابان است و اگر از حرام زادگان هم اطلاعی به هم رسانیده باشند، ملت پرستان مجاهدین را اطلاع داده که تکلیف خود را در باب توقیف ادارات گمرک بنادر، اعلانات اکیده و سفارشات شدید، ان شاء الله بر روی سفیانی بسته خواهد شد. مجدداً احکام و ارقام حضرات حجیج اسلام از عتبات عالیات بر سر عموم مسلمین و بر اعانت و تقویت از ملت و حفظ بیضه اسلام و دفاع مستبدین از نفوس و اعراض مسلمین، شرف صدور یافته و به هر جا اعلام و اشاعه شده ولکن از ترس فکر و غدر اهل، اصول آن فرستاده نشد. بلکه سواد آنها هم چونکه مفصل بود، مجال در دست نبود کذلک، لذا اعلان اجمالی که نتیجه آن امکانات مبارکه بود لفاً ایفاد خدمت شد. اگر چه شاید از طریق بوشهر، اصل آن احکامات هم به خود جنابان رسیده و می‌رسد والسلام علیکم و رحمت‌الله.<sup>۲۱</sup>

ملیون در بندرعباس ضمن تسخیر گمرک، رئیس بلژیکی آن را مخیر به ماندن و یا رفتن کردند، و او از محل گمرک خارج گردیده و امورات شهر به دست، مصباح دیوان اوزی سپرده گردید.<sup>۲۲</sup> نیروهای سید پس از تصرف گمرک به طرف مقر تجاری انگلیس معروف به کلاه فرنگی رفته در یک

درگیری توانستند آن جا را موقتاً تسخیر نمایند. پس از آن کارگزار ملیون در بندرعباس، ضمن ملاقات با کنسول بنا به وضعیت خاص آن دوره رضایت به واگذاری نصف عایدات به ملیون را به دست آورد.<sup>۲۳</sup> در همین حال نیروهای سید به فرماندهی حسین سردار به طرف بندر لنگه حرکت نموده و در طی همان ماه، درگیری خونینی در شهر به وقوع پیوست.

اخبار پیروزی ملیون در بندرعباس و بندر لنگه، باعث تهییج و تحریک انقلابیون بوشهر گردید. سید مرتضی اهرمی طی حکمی که از سوی سیدعبدالحسین لاری دریافت

نمود، در تدارک حمله گسترده به مقرهای دولتی افتاد.<sup>۲۴</sup>

در اوایل ماه ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ ق اولین حرکت گسترده بوشهر علیه مستبدین به رهبری سید مرتضی اهرمی و با جماعت نظامی رئیس علی دلواری آغاز گردید.<sup>۲۵</sup> مأمورین دولتی محلی بدون هیچ گونه مقاومتی، مقر حکومتی را ترک و مهام امور به دست ملیون افتاد. با تلگرافی مختصر و مفید، پیروزی ملیون به نجف گزارش گردید.<sup>۲۶</sup>

« از بوشهر به نجف، شهر تصوف، انجمن مفتوح، گمرک متصرف، حکومت فرار، ملت غالب »

به راستی که پیروزی انقلابیون بوشهر مانند مضمون‌های تلگراف به سرعت و با اختصار تمام برگزار گردید. در کلیه جریان‌ها کوچکترین اقدامی از سوی مقامات به عمل نیامد. در اول ماه ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ ق، سید مرتضی اهرمی رسماً به کنسول خانه انگلیس نوشت که مهام حکومت را از جانب ملیون در دست دارد و وظایف مأمورین محلی را موقتاً عهده‌دار است و ترتیب حفظ جان و مال اتباع خارجه را خواهد داد. کاپیتان ترور (Trevor)<sup>۲۷</sup> کنسول انگلیس از دولت متبوع خویش استعلام نموده

که آیا می‌تواند با حاکم جدید رسماً ارتباط برقرار سازد؟ و مقامات انگلیسی او را مجاز به برقراری ارتباط غیر رسمی نمودند.<sup>۲۸</sup> بلافاصله پس از تسخیر بوشهر، اجلاسی در منزل «میرپنج» فرمانده قشون ساخلوی دولتی و با حضور سید مرتضی اهرمی کارگزار بوشهر و شش تن از تجار تشکیل گردیده و طی آن سید مرتضی آنها را مختار به پذیرفتن تسلط ملیون و یا خارج شدن از بوشهر نمود. کارگزار بوشهر استعفا داده و از شهر خارج گشت، ملیون بیدق سلطنتی را خوابانده و پرچم ملیون را افراشتند. کنسول انگلیس در این باره چنین گزارش می‌دهد:

« سید (سید مرتضی اهرمی) به اتفاق متابعین خود به دارالحکومه رفته و بیدق سلطنتی را خوابانده و به جای آن بیدق ملی نصب نمودند و ۲۱ نیر توپ هم به رسم سلام شلیک شد. این طور اظهار می‌شود که این انقلاب بدون خونریزی به واسطه این است که تمام طبقات در بوشهر به انضمام مأمورین دولتی قلباً ملت خواه هستند».

روزنامه صور اسرافیل در سر مقاله خویش پیشروی مجاهدین و اقتدار سید را چنین تصویر کرده است.<sup>۲۹</sup>

« فارس و لارستان در تحت تصرف قشون سید عبدالحسین لاری است، در بوشهر و بندرعباس و سایر نواحی خلیج فارس، حکام مقتول و مطرود و حکومت در دست ملی هاست.»

در جبهه شرقی، نیروهای شیخ زکریا دارابی ضمن پیشروی به سوی کرمان، در شهرهای نیریز (Niriz) و سیرجان با مستبدین جنگنده و در همان حال به سوی کرمان پیش می‌رفتند. صاحب اختیار حکمران کرمانی طی تلگرافی خواهان کمک مالی دولت جهت دفاع از ایشان گردید.<sup>۳۰</sup>

صاحب اختیار از کرمان تلگراف کرده است که مأمور حاج سید عبدالحسین روانه کرمان شده است، اگر باید جلوگیری کرد که بیست

هزار تومان حواله بانک دهید تا تهیه دیده شود و جلوگیری نمایم.

در تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۷ ه. ق نیروهای شیخ زکریا پس از درگیری‌های شدید در سیرجان و شهر بابک و به آشوب کشیدن منطقه، به کرمان رسیده آن جا را محاصره نمودند.<sup>۳۱</sup> در اثر محاصره، آذوقه به شهر نرسیده و همگی اهالی بر حاکم شوریدند، او نیز استعفا داد و نظام السلطنه به جای او منصوب گردید، اگر چه شورش مردم بر دیوانیان همچنان ادامه داشته است. بیش از این درباره چگونگی حوادث کرمان، اطلاعی در دست نیست. همین قدر دانسته شد که نیروهای شیخ متشکل از کوهستانیها، بهارلو، اعراب، در سال ۱۳۲۷ ه. ق تا کرمان پیش رفته و کلیه آبادی‌های میان راه را به آشوب کشانده‌اند.

به این ترتیب، نیروهای سید در سه جبهه شرق و غرب و جنوب توانستند با اقتدار تمام به پیوزیهای بسیار نایل آمده و در همان راستا، امور سیاسی سه نقطه مهم بوشهر، بندرعباس، بندر لنگه، را به دست گرفته و در هر کدام از این شهرها، انجمن‌های ولایتی بر پا دارند.<sup>۳۲</sup> پروزیها سریع و گیج کننده بود، رسانه‌های گروهی بیشترین اخبار جنوب را به گزارشات نیروهای سید اختصاص داده بودند، در حالی که سید خود در مرکز عملیات لار مانده بود، اخبار اشتباه خبر ورود پیروزمندانه او به شهرهای بوشهر و بندرعباس پخش می‌گردید سید و یارانش در این برهه، از بالاترین قدرت اجتماعی در نواحی جنوب ایران برخوردار شده و عروج سیاسی او و جمعیتش به بالاترین حد خویش رسیده، در این راستا لار به عنوان مرکز ثقل سیاسی فارس شناخته گردید.<sup>۳۳</sup> ایام بحرانی استبداد صغیر در نواحی جنوب ایران، آغاز حرکت مردمی و انقلاب بوده است. ظلم و ستم بیش از حد حکام محلی این نواحی، انزجا و نفرت عامه از دیوانیان، باعث گردید که بندرعباس و بندر بوشهر بدون مقاومت تسلیم مشروطه

خواهان گردد. اخبار گسترده پیروزیهای سید و یارانش به وسیله یک شبکه ارتباطی نسبتاً قوی که عبارت از عشایر مناطق گوناگون بوده‌اند، به سرعت در نواحی مختلف پخش گردیده و باعث تهییج می‌گردید. در همین حال ارتباط سید و نجف از دو طریق بوشهر و بندرعباس برقرار گردیده و اعلامیه‌های نجف به سرعت در منطقه پخش می‌گردیده است.<sup>۳۴</sup>

به این ترتیب، مبارزات پیگیر و مجدانه سید عبدالحسین لاری در احیای مشروطه و مقابله با استبداد صغیر در یک سال ۲ تیر ۱۲۸۷/۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ تا ۲۳ تیر ۱۲۸۸/۲۷ جمادی الاخره ۱۳۲۷، فارس و صفحات جنوب ایران را به یکی از کانون‌های اصلی مبارزه علیه استبداد و مشروطه خواهی بدل ساخت؛ به گونه‌ای که نام شیراز و لار در ادبیات مشروطه ماندگار شد.

## منابع و مأخذ :

- ۱- وثوقی، محمدباقر، جنبش مشروطیت، (تهران) مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی همسایه، ۱۳۹۵ ص ۹۳.
- ۲- وثوقی، محمدباقر، جنبش مشروطیت، (تهران) مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی همسایه، ۱۳۹۵ ص ۳۸-۴۲.
- ۳- فتاحی، فتح الدین، سفرنامه میرزا فتاح، (تهران، بی جا، بی تا) صص ۱۶۹-۱۷۱.
- ۴- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ‌پیداری ایرانیان، (تهران، انتشارات- نوین، ۱۳۶۲) ص ۳۹۵.
- ۵- قائم مقامی، جهانگیر، نهضت جهانخواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت، (تهران ۰ مرکز ایران تحقیقات تاریخی، بی تا) ص ۴۵.
- ۶- وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳) ص ۹۵.
- ۷- وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳) صص ۹۶-۱۰۰.
- ۸- بشیری، احمد، کتاب آبی. (تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۷) جلد ۱، صص ۱۱۱-۱۲۷.
- ۹- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، (تهران، بی نا، ۱۳۲۲) ص ۱۷۵.
- ۱۰- روزنامه‌ی لارستان، به سردبیری مورخ لاری، تهران، (۱۳۳۲) شماره ۴، ص ۲.
- ۱۱- بشیری، احمد، کتاب آبی، جلد ۲، ص ۲۸۲.
- ۱۲- همان منبع، جلد ۲، ص ۳۸۵.

- ﷺ - روزنامه‌ی لارستان، شماره ۴ ص ۲.
- ﷺ - روزنامه‌ی لارستان، شماره ۴ ص ۲.
- ﷺ - وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳) ص ۱۳۴.
- ﷺ - وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی
- (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳) ص ۱۳۵.
- ﷺ - بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۱، ص ۴۱۴.
- ﷺ - همان منبع، جلد ۲، ص ۴۳۲.
- ﷺ - وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳).
- ﷺ - بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۲، ص ۴۶۳.
- ﷺ - کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ‌بیداری ایرانیان، (تهران، انتشارات- نوین، ۱۳۶۲) جلد ۲، ص ۳۵۷.
- ﷺ - بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۲، ص ۴۲۶.
- ﷺ - همان منبع، ص ۴۶۳.
- ﷺ - وثوقی، محمدباقر، آیت الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی (تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳) ص ۱۳۷.
- ﷺ - بشیری، احمد، کتاب آبی، جلد ۲، ص ۴۶۶.
- ﷺ - کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ‌بیداری ایرانیان، (تهران، انتشارات- نوین، ۱۳۶۲) جلد ۵، ص ۳۹۵.
- ﷺ - بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۲، ص ۴۶۴.
- ﷺ - همان منبع، ص ۴۶۷.

- 
- روزنامه ی صوراسرافیل، سال دوم، ۱۵ صفر، ۱۳۲۷ هـ ق .  
کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران، انتشارات  
نوین، ۱۳۶۲) جلد ۵، ص ۳۶۱.
- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران، انتشارات  
نوین، ۱۳۶۲) جلد ۵، ص ۳۷۹.
- بشیری، احمد، کتاب نارنجی ( تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۷)  
جلد ۱، ص ۲۲۴.
- بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۲، ص ۴۷۱.
- بشیری، احمد، کتاب آبی. جلد ۲، ص ۴۶۷.

کازرون و نمایندگان منتخب

(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف : غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

[email:dehghan@kazeroon.net](mailto:dehghan@kazeroon.net)